

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۱۳۸-۱۲۱)

روابط تجاری با هند در نخستین سال‌های قرن بیستم میلادی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران تا آغاز جنگ جهانی اول (۱۳۱۷ق.م تا ۱۳۳۲ق.م) / ۱۹۱۴م

۱- محمدرضا عسکرانی

چکیده

تجارت ایران و هند در آستانه مشروطه افزایش یافت و این امر موجب دگرگونی در جامعه ایران شد. مسأله اصلی تحقیق بازشناسی چگونگی و پیامدهای روابط تجاری بین ایران و هند است. هدف تحقیق ارائه تحلیل تازه‌ای از تأثیر روابط بازرگانی ایران و هند بر اقتصاد ایران در آغاز قرن بیستم میلادی و فرصت‌ها و تهدیدهای این مناسبات است. رویکرد تحقیق حاضر «کیفی» و «توصیفی - تحلیلی» است و داده‌ها به روش «اسنادی» و بر پایه منابع «کتابخانه‌ای» گردآوری شده‌اند. فرضیه پژوهش این است که افزایش مبادلات تجاری با هند در آن برهه از زمان، از یک سو بر تولیدات داخلی اثر گذاشت و از سوی دیگر به رشد تفکر نوگرایی و بروز مشروطه کمک کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در آستانه مشروطه فعالیت بازرگانی بین دو کشور افزایش یافت و بر اثر ارتباط زرتشتیان ایران با پارسیان هند و رفت و آمد بازرگانان، زمینه برخی تحولات نوگرایانه فراهم آمد؛ لیکن پس از پیروزی مشروطه به دلیل بروز ناامنی و مداخله بیگانگان، روند توسعه اجتماعی که بر پایه تجارت با هند آغاز شده بود، کاهش یافت و اقتصاد کشور آسیب دید. پس از بستن قرارداد ۱۹۰۷م. با روسیه نیز انگلستان بر اقتصاد جنوب ایران چیرگی کامل یافت.

کلید واژه ها: ۱، بازرگانی ۲، هند ۳، انگلیس ۴، ایران ۵، مشروطه

۱- مقدمه

این مقاله با پرداختن به جنبه‌های مختلف تجارت ایران و هند در آستانه مشروطیت و تحولاتی

۱-استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) Email: askarani@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۵

که در سال‌های حساس بعد از آن پیدا کرد، می‌کوشد تا عملکرد دولت انگلیسی هند را در مبادلات تجاری با ایران بررسی کرده و تأثیرات اقتصادی این تجارت بر جامعه ایرانی - به ویژه در سال‌های پیش از بروز جنگ جهانی اول - را مورد تحلیل قرار دهد.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

انگلستان از میانه دوره قاجار به صورت گسترده در بازارهای ایران حضور یافت و مراودات بازرگانان ایرانی با هند نیز افزایش پیدا کرد. تجار ایرانی افزون بر هند، نمایندگی‌هایی در استانبول، مسکو و قاهره داشتند و معاملات وسیعی انجام می‌دادند. به همین دلیل آنان خیلی زود با تحولات اجتماعی جوامع توسعه یافته آشنا شدند و بدین ترتیب نه تنها محصولات صنعتی را به ایران می‌آوردند؛ بلکه حامل افکار تازه نیز بودند و راه آشنایی هموطنان‌شان با اقتصاد دنیای غرب را گشودند. تجارت با هند، همچنین نشان دهنده نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب بوده و یکی از مهمترین عوامل آشنایی ایرانیان با مصنوعات غربی و پدیده استعمار از یک سو و تفکرات نوگرایانه از سوی دیگر بود. مسأله اصلی تحقیق چگونگی کمیّت و کیفیت روابط تجاری بین ایران و هند و اثراتی است که این مناسبات بر تحولات اجتماعی جامعه ایران گذاشت. پرسش اصلی این است که روابط تجاری ایران با هند در سال‌های آغازین قرن بیستم میلادی چه تأثیری بر اقتصاد ایران داشت؟ و سؤال دیگر این که کمیّت و کیفیت روابط تجاری با هند قبل و بعد از مشروطه چگونه بوده است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف بازشناسی ابعاد روابط بازرگانی ایران و هند در یکی از حساسترین دوره‌های تاریخ ایران و جهان است و نویسنده می‌کوشد به میزان تأثیرپذیری جامعه ایرانی از فرهنگ و تمدن غربی که با حضور انگلستان در هند راه آشنایی با آن از طریق همسایه شرقی فراهم شده بود، پی ببرد. این تحقیق از آن رو ضروری است که سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول از پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخ ایران به شمار می‌آید و برخی دلایل ناکامی نهضت مشروطه را از کاوش در رویدادهای اقتصادی همین سال‌ها می‌توان شناخت.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

رویکر تحقیق حاضر «کیفی» به شیوه «توصیفی - تحلیلی» است. در این روش محقق نخست

یک رویداد را با ضوابط علمی شرح می‌دهد و سرانجام به تبیین و تفسیر آنها می‌پردازد در این مقاله، داده‌های تحقیق به روش «اسنادی» و بر پایه منابع «کتابخانه‌ای» گردآوری شده‌اند و نویسنده می‌کوشد با استفاده از منابع دست اول تاریخی مانند سفرنامه‌ها، خاطرات و به ویژه اسناد موجود، نخست به «توصیف تاریخی» پرداخته و سپس «تحلیل» تازه‌ای را از موضوع ارائه کند.

۴-۱- پیشینه تحقیق

روابط ایران و هندوستان در آثار فراوانی مورد توجه قرار گرفته است؛ لیکن برخی از آنها به دوره قاجاریه مربوط نیست و برخی هم بر مسایل سیاسی تمرکز کرده‌اند و به تاریخ دیپلماسی علاقه نشان داده‌اند. در بین معدود آثار منتشر شده در زمینه مناسبات اقتصادی، اثر چارلز عیسوی (۱۳۶۹) آمارهای سودمندی در خصوص تجارت ایران و هند در دوره قاجاریه دارد. در اثر ویلم فلور (۱۳۶۵) هم مطالبی در خصوص شرایط اجتماعی بازرگانان ایرانی و هندی می‌توان یافت. غلامرضا وهرام (پاییز ۱۳۶۴) هم مقاله‌ای با موضوع نقش کمپانی انگلیسی هند شرقی در ایران نوشته و مرتضی نورایی و زهرا رضایی (۱۳۸۹)، حبیب‌الله سعیدی‌نیا (۱۳۹۰)، مرتضی دهقان‌نژاد (فروردین ۱۳۹۲)، عبدالرسول خیراندیش و مریم شیبری (۱۳۹۲)، عبدالکریم مشایخی (۱۳۹۳) و عباس عاشوری‌نژاد و راضیه شجاعی (۱۳۹۴) نیز هر کدام تکاپوهای استعماری و تجارت در خلیج فارس را مورد بررسی قرار داده‌اند. جلیل نائیبیان و جواد علیپور (زمستان ۱۳۸۹) نیز به ارتباط زرتشتیان ایران و هند و فعالیت تجارت‌خانه‌های زرتشتی پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد که روابط گسترده ایران و هند در دوره صفویه و تشدید رقابت‌های استعماری موجب شده تا نویسندگان بیشتر وقایع قرون هجدهم و نوزدهم میلادی را مورد کاوش قرار دهند و کمتر اثری را می‌توان یافت که به تأثیرات اقتصادی روابط ایران و هند در سال‌های حساس اوایل قرن بیستم میلادی بپردازد.

۲- فعالیت بازرگانان هندی و انگلیسی در جنوب ایران پیش از مشروطه

در اوایل قرن نوزدهم میلادی تجارت در خلیج فارس به مرور کاهش یافته بود؛ لیکن پس از انعقاد قرارداد گلستان، انگلستان توانست از زمینه‌های اختلاف ایران و روسیه بهره‌برداری کرده و حجم صادراتش به ایران را به میزان زیادی افزایش دهد. کشتی‌های آن کشور کالاهای انگلیسی، هندی و چینی را در بندرگاه‌های خلیج فارس تخلیه می‌کردند و با کاروان‌های شتر و قاطر به شیراز می‌رساندند؛ به طوری که در سال ۱۲۳۸ ق. / ۱۸۲۲ م. ارزش کالاهای تخلیه شده تنها در بوشهر به

۶۰۰ هزار پوند استرلینگ می‌رسید (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲). بر اثر کوشش دولت قاجار برای برقراری نظم و امنیت و حضور بیشتر ناوگان تجاری انگلیس، تجارت در نواحی جنوبی ایران رونق بیشتری گرفت و این رقم در سال ۱۸۶۰ م. به ۱۳۱۴۳۰۰۰ روپیه افزایش پیدا کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۲۵-۱۲۴). در سال ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۶۰ م. بوشهر از معدود بنادر ایران در خلیج فارس به شمار می‌رفت که با هند تجارت می‌کرد. این بندر بارانداز اصلی کالا در ایران به‌خصوص برای بازارهای شیراز و اصفهان بود؛ لیکن تجار بوشهری بیشتر نقش دلان شرکت های خارجی را بازی می‌کردند (فلور، ۱۳۶۵، ۱۶۸). مقدار کالایی که در سال ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۶۰ م. سالانه از بوشهر صادر می‌شد در حدود دو میلیون و هشتصد هزار تالر (هر تالر برابر سه مارک) و میزان واردات سالانه حدود پنج میلیون تالر بود (بروگش، ۱۳۸۹، صص ۵۱۷-۵۱۸). با بروز جنگ‌های داخلی آمریکا، تجارت نواحی جنوبی ایران با هند به سه برابر افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۲۸۱-۸۲ ق. / ۱۸۶۵-۶۶ م. میزان تجارت ایران تنها با بمبئی برابر ۳۴۴۳۷۰۰ روپیه بود و این رقم دو سال بعد به بیست میلیون روپیه رسید (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۳۵). انگلیسی‌ها در سال ۱۸۶۶ م. شرکت بازرگانی «رالی» را در بوشهر تأسیس کردند که با شرکت دیگر انگلیسی به نام «گری دیوز» در امور تجاری مشارکت داشت. این شرکت در بوشهر و سایر بندرهای خلیج فارس به عنوان نماینده «شرکت کشتی‌های بخار انگلیس و هند» در مسیر بمبئی و خلیج فارس کار می‌کرد. مناطق جنوب شرقی و شرق ایران نیز از کانون‌هایی بود که مورد توجه تجار هندی و روسی قرار گرفت. روس‌ها با تسلط بر دو شریان حیاتی ایران می‌توانستند نفوذ زیادی بر ایران داشته باشند و از رقابت بازرگانان اروپایی در ایران نگران نباشند. به دلیل این که راه آهنی از خلیج فارس به دیگر مناطق ایران وجود نداشت، حضور انگلیسی‌ها در این منطقه تهدیدی تجاری برای روسیه به حساب نمی‌آمد. لیکن خطر رخنه کالاهای انگلیسی از طریق هند به سیستان در مناطق شرقی ایران آنان را تهدید می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۲۸۶). شرکت رالی به صدور قالی، چرم، پشم، گندم، تریاک و سایر محصولات ایران و ورود محصولات مستعمراتی از قبیل چای، قند، رنگ و قماش از هند و اروپا به ایران می‌پرداخت و در سال ۱۸۷۱ نیز نخستین پیشنهاد عملی را برای ایجاد کشتی رانی منظم در رودخانه کارون داد (رایت، ۱۳۸۳: ۱۴۰). در سال ۱۸۸۸ م. نیز «شرکت کشتیرانی برادران لینچ» در کارون با کمک مالی سالیانه انگلیس یک خط منظم بین خرمشهر، اهواز و شوشتر به وجود آورد که هر دو هفته یک بار این مسیر را طی می‌کرد. سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۹ م. نیز این شرکت برای توسعه تجارت راه چهارصد کیلومتری بین اهواز و

اصفهان ایجاد کرد. در این بین هم سفارتخانه انگلیس در تهران و هم کنسولگری آن کشور در اصفهان از مذاکره شرکت با خان‌های بختیاری حمایت می‌کردند. شرکت برادران لینچ در دزفول، اهواز و شوشتر که دارای محصولات محلی بودند، دفترهایی دایر کرد و به خرید کنجد و پشم برای صادرات پرداخت. اصفهان بزرگترین مرکز بازرگانی با جنوب ایران و محل حضور قدرتمند بازرگانی انگلیس در ایران بود (رایت، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۰). این شهر از یک جهت دیگر نیز برای تجارت انگلیس اهمیت داشت و آن صادرات تریاک بود. تولید تریاک در سال‌های نخستین دهه ۱۸۸۰م. بسیار افزایش یافت و یکی از دلایل آن ورود تکنیک‌های کشت و آماده سازی آن از هند به ایران بود. «محمد مهدی ارباب» معروف به «فروغی» بعد از بازگشت از هند این صنعت را در اصفهان به راه انداخت و به زودی با تشکیل «شرکت تریاک اصفهان» این محصول به یک کالای صادراتی تبدیل شد و تا جایی رونق گرفت که در بسیاری از شهرهای ایران تریاک کاشته می‌شد و جایگزین فراورده‌های اصلی کشاورزی گردید. در دهه اول و دوم سده بیستم میلادی بیشترین صادرات تریاک ایران به انگلستان، چین و عثمانی از طریق خلیج فارس توسط شرکت‌های تجاری انگلیس صورت می‌گرفت و بهترین نوع آن را نیز برای ساختن مورفین به لندن می‌فرستادند (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۳). تریاک ایران از طریق هند به ژاپن هم صادر می‌شد و در سال ۱۳۱۹ق. یک شرکت تجاری ژاپنی که در بمبئی شعبه داشت، نمایندگانی به اصفهان و شیراز فرستاد تا به طور مستقیم تریاک بدون تقلب خریداری کنند. علی‌محمدخان موقرالذوله کارپرداز ایران در بمبئی ضمن صدور سفارش‌نامه‌هایی برای این نمایندگان، به وزارت امور خارجه گزارش داد: «تجارت متوقف بمبئی از تقلب تریاک خیلی شکایت دارند. زراعت و تجارت تریاک برای ایران اهمیت فوق‌العاده دارد و همین قدر که ترتیبی داده شود که اسباب دخل حکومت‌های محلی و رؤسای تجارت نگردد و... تریاک صحیح بی‌غل و غش از ممالک محروسه به خارج برود، اسباب ترقی تجارت و مزید اعتبار و ثروت تجار رعایای دولت علیه خواهد گشت» (استادوخ، ۱۳۱۹ق.: ص ۸، پ ۱۰). مشیرالدوله وزیر امور خارجه نیز پس از دریافت این گزارش در ۱۵ شوال ۱۳۱۹ نامه‌ای به وکیل‌الملک وزیر تجارت نوشت و نسبت به آسیبی که فروش تریاک تقلبی به اقتصاد ایران وارد می‌کند هشدار داد (استادوخ، ۱۳۱۹ق.: ص ۸، پ ۱۰). وی در نامه دیگری به حاکم اصفهان نوشت: «دو سال است تریاک ایران در ممالک خارجه غیر مرغوب شده، به طوری که در هنکاک [هونگ‌کنگ] که یکی از بنادر چین است، موازی سه هزار صندوق موجود مانده و به هیچ

وجه خریدار ندارد. اگر تا چندی دیگر به همین منوال بگذرد، رفته رفته این یک رشته تجارت بزرگ ایران... به کلی از میان خواهد رفت... فوراً به هر جا لازم است، مقرر فرمایید که مرتکبین را دستگیر نموده؛ مجازات و تنبیه سخت نمایند...» (استادوخ، ۱۳۱۹ق: ص ۸، پ ۱۰). برقراری خطوط کشتیرانی و افزایش صدور تریاک موجب شد تا کنسول انگلیس ۱۸۸۵م. پیش‌بینی کند، طی ده سال آینده، صادرات ایران از بندر بوشهر دو برابر شده و از ده میلیون به بیست میلیون رویه برسد. وی هم چنین انتظار داشت، میزان تجارت بندرعباس از سه میلیون به هشت میلیون رویه افزایش یابد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۳۵). اختراع و راه‌اندازی کشتی‌های بخار و پس از آن افتتاح کانال سوئز نیز تأثیر فراوانی بر تجارت انگلستان در خلیج فارس داشت. نمودارهای وزنی کالاهای صادراتی و وارداتی یک تحقیق «کلیومتریک» حاکی از رشد تجارت در چهار بندر بوشهر، لنگه، خرمشهر و بندرعباس بعد از سال ۱۸۸۰م. است (خیراندیش و شیپری، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۲). در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی انگلستان حضور امپراتوری عثمانی در خلیج فارس را نیز به چالش کشید. و عثمانی که کانال سوئز را در اختیار داشت و می‌توانست نقش مهمی در تجارت دریایی خلیج فارس داشته باشد، از میدان بدر کرد. عثمانی در اوایل قرن بیستم میلادی به آلمان نزدیک شده و می‌کوشید خط آهن برلین - بغداد را تا سواحل خلیج فارس امتداد دهد (عاشوری‌نژاد و شجاعی، ۱۳۹۴: ۸۸). در اواخر قرن نوزدهم میلادی تجار ایرانی پی بردند که خرید مستقیم از اروپا با صرفه‌تر از داد و ستد با کارگزاران‌شان در شهرهای ایران است؛ از این رو کوشیدند کالاهای مورد نیازشان را بی‌واسطه از اروپا خریداری کنند. آنان شرکت‌هایی به این منظور تأسیس کردند. در سال ۱۸۸۰م. «حاجی زین‌العابدین امین‌التجار» کشتی‌های بخار برای حمل و نقل کالا خرید و شرکتی برای تجارت با بمبئی به راه انداخت. در سال ۱۸۹۰م. «حاجی عبدالرحیم» و «میرزا عبدالرزاق» نیز مؤسسه تجاری دیگری ایجاد کردند که شعبه‌ای هم در بمبئی داشت (فلور، ۱۳۶۵: ۱۶۸-۱۷۴). بازرگانان بم، سیرجان و رفسنجان نیز نماینده یا شرکایی در بمبئی داشتند. در سال ۱۹۰۰م. بازرگانان کرمانی که تعدادشان ۴۰ نفر بیشتر نبودند، به داد ستد محصولات جزئی محلی یا کالاهایی که در محل خریدار داشت، مشغول بودند (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۲). در همین سال تجارت کرمان در انحصار هندیان «شکارپور» و چند تن از پارسیان قرار داشت. تجار هندی این شهر ۲۵ تا ۳۰ نفر بودند که به صرافی و داد و ستد با بمبئی، سند و پنجاب می‌پرداختند. تجارت جیرفت هم در دست هندیانی بود که از کرمان یا بندر عباس آمده بودند. به طور کلی حدود ۳۰۰ هندی در جنوب شرق ایران

تجارت می‌کردند. (فلور، ۱۳۶۵: ۱۶۹). این بازرگانان سه یا چهار سال در کرمان بسر برده و سپس به هندوستان بازمی‌گشتند و چون تبعه و مورد حمایت انگلستان بودند، سود سرشاری نصیب‌شان می‌شد (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۲). یزد نیز از مراکز اصلی توزیع کالای داخلی به ویژه بازارهای شمال ایران بود. با این وجود بازرگان هندی بر اثر مخالفت علمای شهر و پرداخت نشدن مطالبات‌شان در سال ۱۸۹۰م. این شهر را ترک کردند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۶۸). بیشتر بازرگانان هندی ساکن ایران با وجودی که ثروت زیادی داشتند، از آنجا که هر سه یا چهار سال یا حتی بیشتر موفق به دیدن زن و فرزندان‌شان نمی‌شدند، احساس رضایت نمی‌کردند (پاتینجر، ۱۳۴۸: ۸۲). حضور بازرگانان ایرانی در تجارت جهانی هر چند به پای شرکت‌ها و سرمایه‌داران اروپایی نمی‌رسید؛ لیکن قشر اجتماعی نیرومندی را پدید آورد که در بسیاری از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی پیشگام گردیدند. «حاج خلیل بوشهری» از طریق تجارت با هند ثروت زیادی اندوخت و نه تنها به بازرگانی می‌پرداخت؛ بلکه در کارخانه‌های پارچه‌بافی هند و خطوط کشتیرانی نیز سرمایه‌گذاری کرده بود و در سال ۱۲۱۵ق. ۱۸۰۱م. به عنوان سفیر ایران در هند منصوب شد. در دورهٔ مشروطه برخی بازرگانان که به ویژه از طریق تجارت با هند ثروتی اندوخته بودند، به دولت کمک‌های مالی می‌کردند. «محمد مهدی ملک‌التجار» در ۱۲۷۷ق. ۱۸۶۰م. در کلکته متولد شد و تا ده سالگی در آن شهر می‌زیست. سپس همراه عمویش به بوشهر آمد و شرکتی تأسیس کرد که با نقاط داخل و کشورهای خارجی داد و ستد می‌کرد. «حاج محمد بوشهری معین‌التجار» در تحولات اقتصادی و سیاسی نقش داشت و با افتتاح مجلس شورای ملی به نمایندگی انتخاب شد و در تحولات بعد از مشروطه و انتقال قدرت از قاجاریه به پهلوی نیز نقش داشت (مشایخی، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۲). وی در آغاز مشروطه نیز وقتی در کابینه مشیرالدوله لایحه قرضه از خارجی در مجلس رد شد، به اتفاق امین‌الضرب تلاش زیادی برای تأسیس بانک ملی با سرمایه ایرانی به عمل آورد و سرمایه‌ای قابل ملاحظه جمع کردند؛ ولی تشکیل بانک ملی سرانجام نگرفت (افشار، ۱۳۵۹: ج ۱/۳۹۶). بازرگانان ثروتمند درگیر در تجارت خارجی به دلیل ارتباط با دنیای پیشرفته جوامع اروپایی و آمریکا، به منتقدان سیاست و حکومت ایران تبدیل شدند. جنبش اقتصاد ملی که تحریم کالای خارجی و ترویج کالاهای وطنی را پشتیبانی می‌کرد، از همین قشر آغاز شد و بر اثر آشنایی با بانک‌ها و مؤسسه‌های بازرگانی، با تسهیلات و حقوق تجارت و امکانات دست‌یابی به سود بیشتر آشنا شدند و خواستار رسیدن به آن حقوق بودند. بدین ترتیب

تشکیل و گسترش ثروتمندان جدید خواهان مشارکت سیاسی که بازرگانان طیف گسترده‌ای از آنان بودند، یکی از دلایل وقوع انقلاب مشروطه بود.

تأثیر مبارزات ضد استعماری مردم هند بر بازرگانان ایرانی

شورش ضد استعماری هندیان که در ۱۰ مه ۱۸۵۷ م. ۱۵/ رمضان ۱۲۳۷ ق. در دهلی آغاز شد، بر مردم ایران تأثیر گذاشت. اخبار این شورش و قتل عام انگلیسی‌ها در دهلی، اثر نامطلوبی بر احساسات ایرانیان بخشید و از لحاظ سیاسی نیز موقعیت انگلیس را در هند به خطر انداخت؛ چنانکه صدراعظم ایران در ملاقاتی با «کنت دوگوبینو» سفیر فرانسه با اشاره به شکست ایران در برقراری حاکمیتش در هرات، ابراز عقیده کرد: اگر جنگ بین ایران و انگلیس ادامه می‌یافت، ایرانیان می‌توانستند با وقوع این شورش لطمات مالی شدیدی به انگلیس وارد کنند (دوگوبینو، ۱۳۷۰: ۱۶۶-۱۶۵). بازرگانان از طریق خواندن روزنامه‌های اروپایی که از سن پترزبورگ به دست‌شان می‌رسید، در جریان اخبار شورش‌های ضد انگلیسی شمال غربی هند قرار می‌گرفتند و این اخبار به‌ویژه در بین اطرافیان شاه که دشمن انگلیس بودند، هیجانی را ایجاد کرده بود (همان، ۱۷۵-۱۷۴). بر اثر استبداد بیشتری که حکومت قاجاریه نشان می‌داد، جنبش ضد حکومت و ضد بیگانه تحرک بیشتری یافت. بازرگانان با مشاهده تأثیر حکومت قانون‌مدار بر نظم اجتماعی، امنیت راه‌ها، رونق تجارت و توسعه صنعت، درصدد برآمدند اوضاع مشابهی در ایران پدید آورند. برقراری مردم‌سالاری آنان را در قدرت سیاسی سهیم می‌نمود و تفکر ملی‌گرایی موجب از بین رفتن سلطه بیگانگان می‌شد و از آنجا که هر دو مورد منافع مادی آنان را نیز تأمین می‌کرد، به جنبش مشروطه‌خواهی پیوستند و برای موفقیت آن هزینه مالی می‌کردند. این جنبش به‌خصوص از سوی تاجران ایرانی که به شهرهای استانبول، باکو و بمبئی تجارت می‌کردند، تقویت می‌شد و آنان به نشر عقاید اصلاح‌طلبانه در میان هموطنان‌شان پرداختند. برخی مأموران سیاسی ایران نیز در گزارش‌های خود به وزارت امور خارجه درباره رکود اقتصادی ایران و لزوم انجام اصلاحات در این زمینه هشدار می‌دادند. برای مثال میرزا محمودخان جنرال کنسول ایران در کلکته طی نامه‌ای مفصل توصیه‌هایی را برای رونق تجارت ارائه می‌کند. در بخشی از این نامه آمده است: «در هندوستان که به واسطه همسایگی با ایران باید امتعه ما خیلی رواج داشته باشد، به واسطه عدم اهتمام و دقت تجار ما و نبودن مأمورین با بصیرت در بندرات [بندرها] معتبر هندوستان، تجارت ما روز به روز در تنزل است... فایده تجارت سیستان را امروز هندی‌ها و انگلیزها [انگلیسی‌ها] و روس و ارمنه می‌برند» (استادوخ، ۱۳۲۱ ق.: ۳، پ ۱/۲).

وی در ادامه پیشنهاد می‌کند مقرر شود، کشتی‌هایی که از بنادر هند کالا به ایران حمل می‌کنند و بازرگانانی که قصد صادرات به ایران را دارند، از کنسولگری ایران اجازه‌نامه تمبردار دریافت کنند تا هم نظارت بیشتری صورت گیرد و هم درآمدی برای دولت کسب شود. در آستانه بروز مشروطه در ایران بازرگانان ایرانی در بمبئی انجمنی را به نام «انجمن تجارتي ایرانیان هندوستان» برای رونق بخشیدن به تجارت با ایران تشکیل دادند و «رفع عیوبات امتعه» ایرانی را که موجب بی‌اعتباری کالاهای ایرانی بود، جزو اهداف خود قرار دادند (استادوخ، ۱۳۲۳ق: ص ۹، پ ۳). پس از مشروطه نیز بازرگانان در دوره اول و دوم مجلس حضور یافتند و با تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های صنفی در داخل و خارج ایران برای بهبود وضعیت تجارت کوشیدند. در سال ۱۳۲۵ق. «انجمن وطن‌خواهان ایرانی مقیم بمبئی» به ریاست میرزا ابراهیم شیرازی تشکیل شد و سپس «شرکت اتحادیه تجار» را به وجود آوردند. این شرکت با مراکز تجاری هند، روسیه و عثمانی در ارتباط بود و کالاهای انگلیسی و فرانسوی را از هندوستان به ایران وارد می‌کرد. «کمپانی جهازات» نیز در مبادله کالا بین بمبئی و جنوب ایران فعالیت داشت (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۱۶۶؛ ۲۳۰).

۳- نقش زرتشتیان هند در مبادلات تجاری ایران با هندوستان

زرتشتیان ایرانی تبار ساکن هند از زمان حمله اعراب به امپراتوری ساسانیان، به آن سرزمین مهاجرت کردند. این مهاجرین در هند به «پارسیان» شهرت یافتند و از راه تجارت ثروت فراوانی اندوخته بودند. در دوره قاجاریه کرمان و یزد از شهرهای محل سکونت زرتشتیان بود. به زرتشتیان کرمان اجازه داد و ستد با خارج از شهر داده نمی‌شد و به ویژه از سفر ایشان به هندوستان ممانعت می‌شد؛ زیرا از این می‌ترسیدند که در این سفرها با وضعیت مناسب اقتصادی جامعه زرتشتیان هند آشنا شده و پس از برگشت به ایران، برای حکومت دردسر ایجاد کنند (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱). با این حال پارسیان هند می‌کوشیدند به شیوه‌های مختلف با زرتشتیان ایران ارتباط برقرار کنند. به نظر می‌رسد در این زمان دولت انگلستان نیز بنا به مصالح سیاسی حمایت از اقلیت زرتشتی ایران را در پیش گرفته بود و «سر جرج بردوود» از سیاستمداران انگلیسی در هندوستان نیز پارسیان را برای کمک به همدینان ایرانی‌شان تشویق می‌کرد. در سال ۱۸۵۴م. / ۱۲۷۱ق. «انجمن بهبودی حال زرتشتیان ایران» توسط «مهروان جی فرامجی پانده» در بمبئی تأسیس شد و این انجمن که در ایران با نام «انجمن اکابر صاحبان پارسی» معروف شد، «مانکجی لیمبجی» را به عنوان نخستین نماینده روانه

ایران کرد(نائبیان و علیپور، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۲). پس از آن «انجمن اصلاح» از انجمن‌های متنفذ و بزرگ پارسیان بمبئی، دفتر نمایندگی دائمی در تهران ایجاد کرد. این انجمن تابع حکومت انگلستان بود و چون از حمایت کامل انگلیس برخوردار بود، توانست در زمینه‌های مختلف به زرتشتیان ایران کمک کند(ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۸۳). انجمن اصلاح تعداد زرتشتیان ایران را در سال ۱۸۱۴م. حدود ۷۲۰۰ نفر برآورد کرد که بیشتر آنها در یزد و کرمان زندگی می‌کردند. تعداد زرتشتیان در سال ۱۸۹۲م. به ۹۲۰۰ نفر افزایش یافت. بر اساس گزارش سیاحان، زرتشتیان ایران از راه تولید ابریشم و بافندگی امرار معاش می‌کردند و زندگی متوسطی داشتند(عیسوی، ۱۳۶۹: ۹۷-۹۶) به هنگامی که ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۳م. به لندن سفر کرد، دولت انگلیس زمینه ملاقات وی را با چهار تن از نمایندگان زرتشتیان بمبئی فراهم کرد و آنان از وی خواستند که برای بهبود وضع زرتشتیان ایران کمک کند(رایت، ۱۳۸۳: ۶۶). در دوره ناصرالدین‌شاه برخی از بازرگانان زرتشتی یزد که در بمبئی مستقر بودند، برای تجارت با هندوستان کشتی‌های بادبانی در بوشهر داشتند. دولت ایران نیز برای حمایت از بازرگانان ایرانی در بمبئی کنسولگری ایجاد کرده بود(پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۵-۳۹۳). صرافی از مشاغل زرتشتیان در بمبئی بود و از این رو به «یهودی‌های هند» معروف بودند. آنان به دلیل پذیرش سریع فرهنگ غربی و ایجاد روابط خوب با انگلیسی‌ها و انعطاف‌پذیری در برخورد با دیگران، وضعیت مالی خوبی پیدا کردند(نائبیان و علیپور، ۱۳۸۹: ۱۳۲). سرای بازرگانی جمشیدیان وابسته به زرتشتیان یزد نیز که به کار صرافی روی آورد، نمایندگی‌هایی در بمبئی و کلکته ایجاد کرد(عیسوی، ۱۳۶۹: ۶۸). سکه‌های قران ایران با عیار پنج درصد از مرغوبیت برخوردار بود و در هندوستان طرفدار زیادی داشت. بازرگانان زرتشتی یزد در سال ۱۲۶۷ق. ۱۸۵۱م. مقدار زیادی از نقره ایران را به هندوستان صادر کردند. به همین دلیل قیمت نقره در ایران افزایش یافت و هنگام مبادله طلا و نقره، بازرگانان حدود چهار درصد اضافه پرداخت می‌کردند و سکه نقره نیز روز به روز بیشتر از ایران خارج می‌شد. برای حل این مشکل، قران قدیم را جمع‌آوری و سکه‌ای جدیدی با وزن و عیار کمتر وارد بازار نمودند؛ لیکن این امر موجب شد تا بازرگانان هندی در برابر قیمت کالای‌شان، از قبول قران ایران خودداری ورزند(پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۵-۳۷۴). رشد تجارت مناطق جنوبی ایران با هندوستان، تأثیر زیادی بر وضعیت اقتصادی زرتشتیان ایران گذاشت؛ زیرا تعدادی از آنها به تجارت روی آوردند و با پارسیان تاجرپیشه و تحصیل کرده بمبئی پیوند خوردند و بدین ترتیب با شیوه‌های جدید مبادلات تجاری آشنا شدند. پارسیان هند ضمن تجارت مفید و متقابل با

زرتشتیان ایران، از راه‌های مختلفی به کمک زرتشتیان ایران شتافتند. با درخواست «انجمن جامعه اصلاح» و حمایت سفیر انگلیس در ایران بود که ناصرالدین‌شاه در فرمانی زرتشتیان ایران را از پرداخت مالیات معاف کرد. این حمایت حکومتی، جامعه زردشتیان را قادر ساخت تا در حیات اقتصادی ایران نقش مهمی ایفا کنند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۹۶). با این حال فشار بر زرتشتیان ادامه یافت و این امر تنور مهاجرت آنان به هندوستان را هم‌چنان گرم نگاهداشت. یکی از بازرگانان زرتشتی به نام «بهرام» طی نامه‌ای در پنجم ذی‌حجه ۱۳۱۸ به وزارت امور خارجه ایران، ضمن گزارش ضبط اموالش و به زندان افتادن وی در جریان سفر تجاری از بندرعباس به بمبئی، به بی‌اعتنایی حکومت کرمان در بازگرداندن اموال اشاره کرده و شکایت می‌کند: «هنوز احدی غوررسی نفرموده و دیناری از آن مالیه به فدوی نرسیده، تحقیق و رسیدگی شود که مالیه و تنخواه فدوی کجاست و در دست که سپرده است» (استادوخ، ۱۳۱۸ق: ص ۲۶، پ ۱۹). این قبیل تهدیدها بعد از مشروطه نیز ادامه یافت. در ۲۲ رمضان ۱۳۲۷ «جورج بارکلی» سفیر انگلیس در تهران به وزیر امور خارجه انگلیس گزارش کرد: «در دهات اطراف یزد به زرتشتی‌ها هنوز هم بدرفتاری می‌شود. به همین دلیل تعدادی از آنها در کنسولگری انگلیس متحصن شده‌اند. گرچه اکثر آنها کنسولگری را ترک کرده‌اند؛ اما هنوز ۶ نفر در کنسولگری باقی مانده‌اند. علاوه بر این در مدت یک هفته ۷۱ نفر از زرتشتیان اعم از مرد، زن و بچه از اطراف یزد و از راه بوشهر به هندوستان مهاجرت کرده‌اند و از ترس این که مبادا آنها را در بندر نگاهدارند، از کفیل کنسولگری درخواست کرده‌اند که نگذارند در راه به آنها صدمه بزنند» (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ج ۳/۷۴۶).

۴- تأثیر نامنی راه‌ها بر تجارت ایران و هند

پس از وقوع جنبش مشروطه و کاهش اقتدار دولت قاجاریه نامنی‌هایی به ویژه در راه‌های مناطق مرکزی و جنوبی کشور پیدا شد. وجود راهزنان در نقاط مختلف کشور، روند تجاری ایران را کند می‌کرد. برای مثال، در سال ۱۳۲۵ق. کاروان بزرگی از کالاهای تجاری که ۱۱ نفر از بازرگانانش هندی‌های تبعه انگلیس بودند، در راه کرمان - بندر عباس مورد دستبرد قرار گرفتند. این افراد خسارات وارده به اموال‌شان را به کنسولگری انگلیس ۱۷۰۰ تومان اعلام کردند (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۱۲)؛ در سال‌های بعد نیز هم چنان ایالت کرمان از دستبرد راهزنان در امان نبود. «هیک» کنسول انگلیس به «والتر تنلی» گزارش داد: «در پی شورش‌های اخیر شایعه شده که به

کنسول انگلیس و سایر اتباع اروپایی حمله خواهند کرد. البته آنها جرأت حمله به کنسولگری را ندارند؛ اما نمی‌توانیم قول بدهیم که از اموال اروپاییان و هندوهای شهر حفاظت کنیم. چهار ادارهٔ قالی‌بافی قالی‌های خود را به کنسولخانه آوردند. هندوها نیز درخواست آمدن به کنسولگری را دارند؛ اما نمی‌توانیم از اموال آنها در شهر که چندین هزار روپیه می‌باشد نگهداری کنیم (همان، ج ۱۸۳/۸). در سال ۱۳۲۷ق. همزمان با حوادث تبریز و خیزش نواحی شمالی کشور، صف‌آرایی مشروطه‌خواهان و طرفداران محمدعلی شاه، موجب ایجاد آشوب‌هایی در فارس شد. انگلیسی‌ها کوشیدند از این شرایط بیشترین استفاده را ببرند و پس از تصرف ارگ دولتی توسط قشقایی‌ها، کنسولگری انگلیس در شیراز تعدادی از نیروهای نظامی بریتانیا را که در بوشهر مستقر بودند، به بهانهٔ حفظ جان و مال اتباع‌شان به این شهر فرا خواندند. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان بر محمدعلی شاه و فتح تهران نیز اقدامات عشایر فارس موجب ناامنی راه‌های این ایالت بود و از تجارت بریتانیا بسیار کاسته شد (نصیری طیبی، ۱۳۸۴: ۲۲۷). در سال ۱۹۰۹م. اردوی سواره نظام هندی و شترداران بلوچ در راه بوشهر به غارت رفت و سه سال بعد در همین مسیر با تیراندازی به یکی از تجار آلمانی، وی را مجبور به پرداخت صد تومان کردند و از یک آلمانی دیگر نیز پانزده تومان اخذی شد. تجار فرانسوی نیز بی‌نصیب نمانده و از آنان چهل تومان دزدیده شد (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ج ۱۸۰۵/۸). در ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲م. / ۱ محرم ۱۳۳۱ق. در دشت ارژن نزدیکی شیراز تمام کالاهای تجاری و نه قاطر را به غارت بردند. در این حمله کاپیتان «اکفورد» افسر انگلیسی به قتل رسید و یکی از سوارهای هندی نیز زخمی گردید (همان، ج ۲۰۳۵/۸). با وجود کوشش دولت ایران و حکومت فارس برای تأمین امنیت جاده‌ها، کارشکنی انگلیسی‌ها آشفتگی موجود را افزایش می‌داد. این موارد هرچند تجارت بریتانیا را به خطر می‌انداخت؛ لیکن بهانه‌ای بود تا آن کشور فشار سیاسی خود را بر دولت ایران افزایش دهد.

وضعیت تجارت مناطق شرقی ایران پیش از جنگ جهانی اول

کمبود راه‌های مواصلاتی و حضور بازرگانان روسیه در ایران که موقعیت برتری نسبت به تجار هندی داشتند، از عوامل رکود تجارت مناطق شرقی ایران قبل از جنگ جهانی اول بود. طول راه‌های زمینی از مشکلات عمده تجاری بین هند و ایران بود. از کویته نزدیکترین مرکز تجاری دولت انگلیسی هند تا نصرت‌آباد در سیستان، به‌طور متوسط ۴۷ روز طول می‌کشید و هزینه سفر از نوشکی به سیستان ۱۰۰ قران و از ملک‌سیاه کوه به سیستان ۲۰ قران بود که اگر این مسافت‌ها با شتر و کجاوه

انجام می‌شد ۵۰ درصد به قیمت اضافه می‌گردید (لیتن، ۱۳۶۷: ۲۴۶-۲۴۵). در صورتی که روس‌ها کالاهای خود را از راه دریای خزر یا توسط راه آهن قفقاز با سهولت بیشتری به ایران ارسال می‌کردند. در سال ۱۹۰۲م. میزان تجارت دولت انگلیسی هند با خراسان ۱۳۸۰۰۰ لیره بود که ۳۵۰۰۰ آن از راه سیستان انجام می‌گرفت. در همین سال تجارت روسیه در شرق ایران ۶۴۶۰۰۰ لیره بود که چندین برابر رقیب استعماریش بود. به همین دلیل انگلیس کوشید با صدور کالا از طریق راه آهن هند به سیستان راه تجاری‌اش را با مناطق شرقی ایران کوتاه کند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۸۷-۱۸۵). روس‌ها کوشیدند تا بازار نفت سفید هند و نواحی شرقی ایران را نیز در اختیار بگیرند. در سال ۱۹۰۱م. میزان نفت سفید صادراتی روسیه به هند ۲۲ میلیون گالن برآورد شده است. روس‌ها در صدد برآمدن، نفت را از راه ایران نیز به هند صادر کنند؛ بنابراین، طرح کشیدن خط‌لوله نفت از دریای خزر به خلیج فارس در سال ۱۸۸۴م. مطرح گردید (همان: ۵۱۱). پس از تأسیس بانک شاهنشاهی در ۱۸۸۹م. در تهران و به دنبال شایعه افتتاح بانک از طرف روس‌ها در سیستان، حکومت انگلیسی هند فشار زیادی به «بانک شاهی» وارد کرد تا برای گسترش تجارت هند با این منطقه، شعبه‌ای نیز در سیستان افتتاح کند. آنان می‌کوشیدند علاوه بر بیرون راندن روس‌ها، تجارت هند را نیز در سیستان گسترش دهند. برای این کار جمعی از تجار هندی را نیز در سیستان مستقر کردند و سرانجام در سال ۱۹۰۳م. شعبه بانک شاهی در این منطقه افتتاح شد (رایت، ۱۳۸۳: ۱۴۶-۱۴۵). یکی دیگر از چالش‌های تجارت انگلیس در نواحی جنوبی و شرقی ایران، تجارت و قاچاق اسلحه توسط افغان‌ها بود. افغان‌ها با نیمی از شترهای خود کالاهایی مانند آلو، پسته، پشم، زیره، بادام، زعفران، کنجد و تخم هندوانه برای فروش به بندرعباس حمل می‌کردند و بقیه را بدون بار همراه می‌آوردند. موقع بازگشت نیز ربع قافله را چای، قند، منسوجات و چینی بار کرده و با بقیه شتران تفنگ، فشنگ و سلاح رولور به افغانستان می‌بردند. از آنجایی که این اسلحه در اختیار قبایل مخالف انگلستان در هندوستان نیز قرار می‌گرفت، انگلیس اقداماتی را برای مقابله با آن انجام داد. حضور مأموران آلمانی در نواحی جنوبی و شرقی ایران نیز چالش دیگری بود که امنیت هند را تهدید می‌کرد. انگلیس سرانجام توانست با نیروی نظامی و اقدامات سیاسی، دست قدرت‌های اروپایی را از خلیج فارس و هند کوتاه کند و بر مخاطراتی که از طرف افغان‌ها وجود داشت، غلبه کند (نورایی و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۵).

روزنامه تایمز در ۱۶ نوامبر ۱۹۰۳م. در مقاله‌ای نوشت: خلیج فارس برای تجارت ما اهمیت خاص دارد. درهای این منطقه بر اثر اقدامات انگلیس بر روی تمام دنیا گشوده شده است. ما دزدان

دریایی را از آن جا بیرون کردیم، جلوی خرید و فروش غلام و کنیز را گرفتیم، رؤسای بومی بیشتر نقاط خلیج فارس با کمک ما به حقوق خود رسیده‌اند؛ با این حال هنوز اقدامات دیگری برای حفظ نفوذ و منافع ما در خلیج فارس لازم است و مسافرت فرمانفرمای هند در سال ۱۳۲۱ق. ۱۹۰۳م. برای تقویت این خواسته است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰: ۱۴). نظارت بر خلیج فارس از اواخر قرن نوزدهم میلادی از اختیار حکومت بمبئی خارج شد و به دولت انگلستان واگذار گردید. قراردادهایی نیز برای احداث تلگراف با دولت قاجاریه امضا شد که به آن کشور اجازه می‌داد خطوط تلگراف را بین لندن، تهران و بوشهر احداث کند و از طریق دریا و مناطقی مانند بندرعباس و جاسک به کراچی متصل گردد. بدین ترتیب بین مؤسسات اقتصادی انگلیس و دیگر نقاط جهان ارتباط مستقیم برقرار شد (وره‌رام، ۱۳۶۴: ۸۰۹-۸۰۸). با شروع جنگ جهانی اول و بروز انقلاب روسیه، نفوذ انگلستان در سواحل خلیج فارس و مناطق شرقی و جنوبی کشور افزایش یافت. آشوب‌های بعد از مشروطه نیز که بخش مهمی از آنها در نتیجه مداخله‌های کشورهای اروپایی بود، به انگلستان فرصت داد تا اقداماتی را که برای رسمیت دادن به نفوذش در جنوب ایران انجام دهد و راهی را که با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م. با روسیه آغاز کرده بود، با ایجاد «پلیس جنوب» به پایان برساند. تجارت با هند از طریق خلیج فارس برای ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ زیرا کالاهای مورد نیاز از این راه وارد می‌شد و این کشور از این آبراهه و ارتباط با باراندازهای بنادر هند، به چهار گوشه جهان راه داشت. افزایش حضور انگلیس در خلیج فارس، شاهرگ حیاتی ایران را در اختیار آن کشور قرار می‌داد.

نتیجه

تبادلات بازرگانانی بین ایران و هند که از میانه دوره قاجاریه گسترش زیادی یافت، از سویی بازرگانان ایرانی را تشویق کرد که به تأسیس شرکت‌های تجاری بپردازند و از سوی دیگر موجب افزایش چشم‌گیر کالاهای اروپایی و در نتیجه کاهش تولیدات داخلی شد. اهداف استعماری انگلیس نیز سبب شد برخی از محصولات کشاورزی مورد نیاز داخلی، جای خود را به کشت محصولاتی مانند تریاک، تنباکو و پنبه بدهد و بدین ترتیب ضمن خروج طلا و نقره از کشور، الگوی کشت نیز تحت تأثیر قرار گرفت و آثار نامطلوب خود را در سال‌های بعد نشان داد. برخی از بازرگانان که با هند تجارت داشتند، در صنایع آن کشور و خطوط کشتیرانی سرمایه‌گذاری کردند و به ثروت قابل ملاحظه‌ای دست یافتند. این قبیل افراد خواستار برخورداری از حقوق تجاری مانند هم‌تایان‌شان در

ممالک پیشرفته بودند. در زمان ناصرالدین‌شاه با صدور فرمانی زرتشتیان از معافیت مالیات‌های مضاعف برخوردار شدند و بازرگانان زرتشتی به دلیل کوشش پارسیان هند، موفقیت‌هایی را در تجارت با هند به دست آوردند. قشر اجتماعی بازرگان، نه تنها در پیروزی مشروطه سهم داشتند؛ بلکه به تأسیس بانک همت گماشتند و با اهدای کمک‌های مالی، به نهضت آزادی‌خواهی یاری رساندند. بازرگانان ایرانی هند به تأسیس انجمن‌ها و اتحادیه‌های صنفی مبادرت ورزیدند و نمایندگان سیاسی ایران در هند نیز توصیه‌هایی را برای بهبود وضع تجارت و اقتصاد به دولت ایران ارائه کردند. آنچه این تلاش‌ها را تا حد زیادی عقیم گذاشت، مداخله‌های روس و انگلیس و رقابت‌های استعماری بود که با استفاده از شرایط ناآرام اجتماعی بعد از مشروطه، حضور نظامی‌شان را افزایش دادند و کشور ایران را با شروع جنگ جهانی اول اشغال کردند.

منابع

- ۱- استادوخ (اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۱۹ق.، صندوق ۸، پوشه ۱۰.
- ۲- استادوخ (اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۲۱ق.، کارتن ۳، پوشه ۱/۳.
- ۳- استادوخ (اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۲۳ق.، صندوق ۹، پوشه ۳.
- ۴- افشار، ایرج. (به کوشش)، اوراق تازه یاب و مشروطیت مربوط به سالهای ۱۳۲ تا ۱۳۳۰ق. تهران: جاویدان، ۱۳۵۹.
- ۵- بروگش، هنریش. سفری به دربار صاحب قران. ترجمه حسین کردبچه، چ سوم. تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹.
- ۶- پاتینچر، هنری، سفرنامه بلوچستان و سند. ترجمه شاپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا.
- ۷- پولاک، یاکوب ادوارد. سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری، چ دوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- ۸- ترابی فارسانی، سهیلا، تجار، مشروطیت و دولت مدرن. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴.
- ۹- خانیکوف، ولادیمیر ویچ. سفرنامه خانیکوف؛ گزارش سفر به بخش جنوبی آسیا. ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد: استان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- ۱۰- خیراندیش، عبدالرسول؛ شیبری، مریم. «عبور کشتی های بخار از کانال سوئز و تأثیر آن بر رشد تجارت بنادر ایرانی خلیج فارس در سه دهه آخر قرن نوزدهم میلادی». تهران: مجله علمی - پژوهشی پژوهش های علوم تاریخی، دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۳۷-۵۲. ۱۳۹۲.
- ۱۱- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. لرد کرزن در خلیج فارس بر پایه اسناد وزارت امور خارجه. تهران: واحد نشر اسناد، ۱۳۷۰.
- ۱۲- دوگوبینو، آرتور. یادداشت های سیاسی گنت دوگوبینو. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: جویا، ۱۳۷۰.

- ۱۳- دهقان‌نژاد، مرتضی. «سیاست در جامه تجارت؛ آغازین تکاپوهای استعماری در خلیج فارس». تهران: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۷۹، صص ۱۴-۷، فروردین ۱۳۹۲.
- ۱۴- رایت، دنیس، انگلیسیان در ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۳.
- ۱۵- سایکس، پرسی. سفرنامه ژنرال سر پرسی؛ ده هزار مایل در ایران. ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: لوحه، ۱۳۶۳.
- ۱۶- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله. «تجارت تریاک در بنادر شمالی خلیج فارس». تهران: فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، (سال ۲۱، دوره جدید، شماره ۹، پیاپی ۹۱، صص ۱۲۰-۹۳). بهار ۱۳۹۰.
- ۱۷- عاشوری‌نژاد، عباس؛ شجاعی، مریم. «رویارویی امپراتوری‌های انگلیس و عثمانی در منطقه خلیج فارس (۱۹۱۸-۱۸۷۱ م./ ۱۳۳۶-۱۲۸۸ ق.)». بجنورد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۱۲-۸۷، زمستان ۱۳۹۴.
- ۱۸- عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران. یعقوب آژند. چ دوم، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹.
- فلور، ویلم. جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران [۲جلد]. ابوالقاسم سرّی، تهران: توس، ۱۳۶۵.
- ۱۹- کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس در باره انقلاب مشروطه ایران [۸جلد]، به کوشش احمد بشیری تهران: نشر نو، ۱۳۶۹.
- ۲۰- کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران. چ شانزدهم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۲۱- مشایخی، عبدالکریم. «تحولات سیاسی، اقتصادی و جمعیتی بوشهر در کرانه شمالی خلیج فارس بین سال‌های ۱۹۲۰-۱۷۶۳ م./ ۱۳۳۹-۱۱۷۷ ق.». تهران: فصل‌نامه مطالعات خلیج فارس، سال ۱، شماره ۱، صص ۷۴-۶۷، ۱۳۹۳.
- ۲۲- نائیبیان، جلیل؛ علیپور سیلاب، جواد. «مانکجی لیمجی و جامعه زرتشتیان ایران عصر قاجار». تبریز: مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره اول، صص ۱۶۰-۱۲۹، ۱۳۸۹.
- ۲۳- نصیری طیبی، منصور. «نقش بریتانیا در رویدادهای سیاسی فارس در دوران مشروطیت (۱۳۳۰-۱۳۲۴ ق./ ۱۹۱۲-۱۹۰۶ م.)». تهران: فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۳، صص ۲۵۰-۲۱۹. ۱۳۸۴.

- ۲۴-نورایی، مرتضی؛ رضایی، زهرا. «تجارت و قاچاق اسلحه توسط افغان‌ها در خلیج فارس و اقدامات انگلستان در جلوگیری از آن سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۱۵ق. / ۱۹۱۴-۱۸۹۷م.» تهران: فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۱۷۸-۱۵۱، پاییز ۱۳۸۹.
- ۲۵-ورهرام، غلامرضا. «کمپانی انگلیسی هند شرقی در ایران». مشهد: دانشگاه فردوسی، مجله جستارهای ادبی، سال ۱۸ شماره ۳ شماره پیاپی ۷۰، صص ۴۶۹-۵۱۶، ۱۳۶۴.
- ۲۶-ویشارد، جان. بیست سال در ایران. ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین، ۱۳۶۷.